

## مدیریت طب اسلامی: ضرورت، موانع و راه کارها

داود فرج زاده\*

کلیدواژه ها: دین و پزشکی - اسلام - پزشکی سنتی

### مقدمه

بحث طب اسلامی و ضرورت پرداختن به آن را باید در راستای بحث انتظار بشر از دین مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بحث انتظار و توقع بشر از دین از مهم ترین مسائلی است که اندیشمندان دینی در جهان معاصر به آن توجه بیشتری دارند. پرسش هایی نظیر اینکه آیا دین برای اداره ی همه ی امور انسان است یا برخی امور به عقل و علم بشری واگذار شده است؟ آیا همه ی امور می تواند دینی باشد یا برخی امور هرگز دینی نیست؟ آیا دین، تنها اصول ارزشی را بیان می کند یا به اصول علمی و تجربی نیز می پردازد؟ آیا دین، همان طور که برای زندگی معنوی و اخروی انسان برنامه دارد، برای مدیریت و سامان دادن به امور دنیوی و اجتماعی نیز برنامه دارد؟ آیا اگر جامعه رشد علمی و عقلی یابد و با پیشرفت این دو (علم و عقل) به بسیاری از نیازهای خود پاسخ دهد، نیاز به دین منتقی خواهد شد و مراجعه به علم و عقل بشری کافی خواهد بود؟ و یا

---

\* دکترای مدیریت تحقیقات در علوم پزشکی

خیر، دریچه‌های دیگری برای رشد و تکامل علم و عقل گشوده خواهد شد، و رشد و تکامل علم همچنان ادامه خواهد داشت و ارتباط علم و دین توسعه پیدا خواهد کرد؟ و ده‌ها سؤال دیگر از مباحثی هستند که پیرامون انتظار از دین مطرح است و دانشمندان علوم مختلف اعم از علوم انسانی و تجربی از جمله بهداشت و طب به دنبال تعیین جایگاه و ارتباط علوم با رهنمودهای دینی هستند. روش عقلی در استنباط از بحث نبوت عامه در استدلال ارتباط علم و دین معتقد است که چون فقط خداوند از حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیازهای او آگاه است، هیچ کس جز خداوند نمی‌تواند نیازهای واقعی انسان را برآورده سازد و این عمل را از طریق پیکر معصوم وحی، کتاب و معصوم الهی با در اختیار گذاردن برنامه‌ی زندگی و رهنمودهای الهی انجام می‌دهد.

#### انتظار از دین زمینه‌ساز بحث طب اسلامی

یکی از راه‌های تبیین انتظار بشر از دین و نیاز انسان به آن، بررسی فواید دین است که در کتاب *انتظار بشر از دین* تألیف حضرت آیت‌الله جوادی آملی به طور مشروح به آن پرداخته شده است و در این مقاله، خلاصه‌ای از نقل قول ایشان را از کتاب کشف المراد خواجه نصیر طوسی، تصحیح حسن زاده آملی به عنوان استدلال، برای اثبات ضرورت پرداختن به بحث طب اسلامی می‌آوریم. ایشان (خواجه نصیر طوسی) در *تجرید الکلام* می‌فرماید:

البعثه حسنه لاشتمالها علی فوائد (۱) کمعاضده العقل فیما یدل علیه فیما لایدل (۲) واستفاده الحکم (۳) و ازاله الخوف (۴) و استفاده الحسن و القبح (۵) و النافع و الضار (۶) و حفظ النوع الانسانی (۷) و تکمیل اشخاصه بحسب استعداداتهم المختلفه (۸) و تعلیمهم

### الصنایع الخفیه (۹) و الاخلاق و السياسات (۱۰) والاخبار بالعقاب و الثواب فیحصل اللطف للمکلف [۱].

بعثت پیامبر به دلیل اشتغال آن بر فوایدی حسن و زیباست، بدون آن که مفسده و ضرری بر آن مترتب بشود. آن فواید عبارتند از:

۱. تأیید مستقلات عقلی: در اموری که عقل مستقلاً آنها را درک و درباره‌ی آنها قضاوت و داوری می‌کند؛ دلیل نقلی آنها را تأیید و تأکید خواهد کرد و نیز حجت بر مکلف تمام خواهد شد. به دیگر سخن، فایده‌ی بعثت انبیاء در آنچه که عقل مستقلاً آنها را می‌یابد، تأیید آنها و اتمام حجت بر مکلفین است.

۲. استفاده‌ی حکم از مدرکات عقل غیر مستقل: بعثت انبیاء اموری را که عقل مستقلاً آنها را درک نمی‌کند و درباره‌ی آنها به استقلال حکم ندارد تبیین می‌کند. [این امور می‌تواند به عنوان اصول موضوعه در تئوری‌های علمی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد].

۳. از بین بردن ترس: با بیان حدود فعالیت انسان توسط انبیاء و معصومین، ترس و بیم از اینکه وظایف در جهت اطاعت از خدا انجام گرفته یا نه از بین می‌رود.

۴. رفع نیاز انسان در شناخت حسن و قبح افعال: افعال انسانی یکسان نیست، بعضی زشت و بعضی زیباست. عقل در شناخت زیبایی یا زشتی پاره‌ای از افعال، استقلال دارد و در بعضی از آنها نیازمند راهنما است و دین این نیازمندی را برطرف می‌کند. [در بسیاری از موارد اخلاق پزشکی، روان‌شناسی بالینی و روان‌پزشکی تکلیف بعضی از اعمال مشخص و طیب و محقق با اطمینان عمل خواهد کرد].

۵. شناساندن اشیای سودمند و زیان آور به انسان: اشیاء و موادی که در طبیعت وجود دارند، بعضی خوراکی ها و داروهایی هستند که برای انسان سودمندند و برخی نیز سمی و زیان آور. لیکن عقل در صورتی سود و زیان آنها را درک می کند که آنها را تجربه و آزمایش کرده باشد و آزمون و تجربه نیز نیازمند به گذشت زمان های طولانی و تحمّل زیان های فراوان است. فایده ی دین آن است که انسان طبق رهنمود وحی، اشیاء و مواد سودمند و مضر را می شناسد، بدون اینکه ضرر و خطری متوجه او شود.
۶. حفظ نوع بشر: در پرتو اجرای قوانین الهی که پیامبران آن را به بشر می آموزند، نوع انسان از زوال و نابودی حفظ می شود.
۷. تربیت و تکمیل انسانها فراخور استعداد آنها.
۸. تعلیم صنایع و فنون سودمند: نوع انسان برای بقای خود نیازمند به ابزار و فن آوری است که از طریق تحصیل علم و تجربه به دست می آید و انبیاء بعضی از این فنون را آموخته و به بشر آموزش دادند. مانند کشتی سازی نوح (ع)، زره بافی حضرت داود(ع) و در قرآن نیز مطالبی است که جای بحث دارد.
۹. تعلیم اخلاق و سیاست: انسان در نظام زندگی و معیشت دنیوی نیازمند به علم اخلاق و سیاست است تا در پرتو آن، نفس خود را تهذیب و اخلاق را تکمیل و جامعه را تدبیر و اداره نماید و انبیاء در این رابطه آموزه های بسیاری دارند که قابل تعمیم و استفاده در بحث اخلاق پزشکی است.
۱۰. بیان ثواب و عقاب اعمال: در ارتباط با هر حرفه و شغلی و هر فعلی بحث ثواب و عقاب ساری و جاری است. بنابراین در حرفه ی طب و فعالیت های

مربوط و خدمات بهداشتی و درمانی و تنظیم امور آن، ثواب و عقاب در هر نوع فعالیت از این حرفه قابل تعمیم می‌باشد.

۱۱. معنا بخشی به زندگی و راهنمایی در سبک زندگی: امروزه مشخص شده است که سبک زندگی تأثیر مستقیم در ایجاد بیماری‌ها و یا پیشگیری و درمان آنها دارد. دین راهنمای خوبی برای شکل دادن به زندگی سالم و ایمن است.

۱۲. شکوفایی تمدن: از فواید دین، شکوفایی تمدن است و هر جا که دین حضور پیدا کرده، تمدن جلوه‌ی بیشتری یافته است. [۲۱]

اکنون مشخص شد فایده‌ی دین در چیست و انتظار ما از دین در مقوله‌ی علم و رسیدن به تمدن اسلامی چیست. اما آنچه که از همه مهم تر است، هدایت و راهنمایی دین برای تعلیم حقایق دست نیافته است که انسان بدون وحی به آنها آگاهی پیدا نمی‌کند. در این رابطه قرآن کریم می‌فرماید:

كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتاب و

الحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون

همان طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم که آیات ما را بر شما

می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را

که نمی‌توانستید آگاه شوید، به شما یاد می‌دهد. [۳]

بنابراین آگاهی یافتن از آنچه که نمی‌دانیم زمینه ساز تکامل دانش بشر و ضرورت تکامل دانش بشری، یکی دیگر از ضرورت‌های بررسی نقش دین در تکامل و توسعه‌ی علم است. با این نگاه به بحث ضرورت‌های تدوین ساز و

کارهای علم دینی و مخصوصاً طب اسلامی می پردازیم. پس از اثبات ضرورت وجود توسعه و ترویج طب اسلامی؛ به موانع، طرح دیدگاه‌ها و سپس به راه کارها و پیشنهادهای مربوط می پردازیم.

### طرح دیدگاه‌های ارتباط طب و اسلام

طب به عنوان یکی از رشته‌هایی است که با سلامت انسان سروکار دارد و از علمی است که اسلام نسبت به آن دارای تعالیمی است. از این رو لازم است تا ارتباط اسلام و طب و یا ضرورت طب اسلامی و توسعه‌ی آن در کشور مورد بررسی قرار گرفته و میزان تأثیرگذاری اسلام در طب روشن شود. به هر میزان که این ارتباط پذیرفته شود و ضرورت وجود آن اثبات شود، نادیده گرفتن آن به معنای ناقص شدن طب در انجام مأموریت و رسالت خویش است. به این معنا که باید انتظار داشته باشیم طب در تشخیص و درمان دچار نقص و کاستی باشد. از این رو برای ایجاد و کمال و پرهیز از به حداقل رساندن خطا در تشخیص و درمان، مناسب است تا پیوند اسلام و طب به طور اجمال مورد بررسی قرار گیرد و دیدگاه‌های مختلف در این رابطه بیان شود [۴]؛ سپس ضرورت‌های بررسی طب اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بزرگترین دانشی که بعد از علوم ریاضی و شیمی، اهتمام مسلمانان را برانگیخت علم طب بود و طی قرون نخستین پس از هجرت، دانش پزشکی جزء علوم لایتنجایی از فرهنگ اسلامی به شمار آمد و پزشکان بزرگی در اجتماع مسلمین به وجود آمدند که اروپا بهره‌ای کامل از تحقیقات آنان به دست آورد و تألیفات دانشمندانی مانند رازی، ابن سینا، ابوالقیس و ابوزهر و ... در طول چندین قرن، اساس آموزش‌های پزشکی

دانشگاههای اروپا قرار گرفت [۲]. ذکر تاریخ پزشکی در اسلام و کشورهای اسلامی نیازمند کتابی مستقل است و این توسعه‌ی علم پزشکی در میان مسلمانان خود حکایت از تأثیر آموزه‌های اسلام و ارتباطش با علم پزشکی است. نظریات مطرح در رابطه‌ی اسلام و طب را می‌توان در سه گرایش مختلف مورد بررسی قرار داد. این تقسیم‌بندی را حجت الاسلام دکتر علیرضا پیروزمند در همایش «طب النبوی» (۱۳۸۶) مطرح نموده و سه گرایش و نظریه را به این ترتیب بیان کرده‌اند:

۱- نظریه‌ی طبیب مسلمان

۲- نظریه‌ی طب مسلمان

۳- نظریه‌ی طب اسلامی

از دیدگاه ایشان، قائلین به نظریه‌ی طب مسلمان هر شیوه و تجربه‌ی پزشکی را که مسلمانان بنیان‌گذار آن باشند طب اسلامی می‌دانند و در نظریه‌ای دیگر که مسلمان بودن طبیب را ملاک اسلامی بودن طب می‌داند، این گونه معرفی می‌کنند که اینها تأثیرگذاری اسلام در طب را تعیین احکام پزشکی و اخلاق پزشکی دانسته و مبانی علم پزشکی در این دیدگاه همان پزشکی مصطلح موجود است، هر چند که از توصیه‌های دینی هم می‌توان در کنار نسخه‌ها و دستورات پزشکی روز بهره برد. نظریه‌ی سوم، نظریه‌ی طب اسلامی است که به معنای استفاده از نصوص و تعلیمات پزشکی و توصیه‌های منتسب به کتاب و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت طاهرینش (ع) می‌باشد که بی‌اعتنایی به آنها، بی‌اعتنایی به مقام عصمت محسوب می‌شود و با توجه به اتصال این

فرمایشات به منبع وحی، تردیدی در صحت آنها وجود ندارد. علم نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه ی اطهار(ع) علم غیرحصولی بوده و تفکیکی بین علم آنها در زمینه های مختلف وجود ندارد و می توان از فرمایشات ایشان به عنوان اصول موضوعه و پیش فرض در تحقیقات تجربی استفاده نمود و به مدد تجربه و روش های علمی به افق های جدیدی از علم رسید و این علوم به دست آمده را به دین نسبت داد و نام آن را طب اسلامی گذارد. در طب اسلامی چون موضوع مورد مطالعه، سلامت انسان است و عوامل مختلفی بر آن اثر دارد، سلامت انسان را می توان در سه دایره ی انسان شناسی، جامعه شناسی و هستی شناسی بررسی کرد. در دایره ی انسان شناسی سلامت جسم، روح و ذهن و قوه ی تعقل و تفکر او مورد مطالعه قرار می گیرد. در دایره ی جامعه شناسی، ارتباط سلامت انسان با خانواده، سازمان ها و محیط های اجتماعی و در هستی شناسی سلامت انسان در ارتباط با فعل خداوند در خلقت، تشریح و تکامل هستی و هدایت او مورد مطالعه قرار می گیرد که در مجموع این مفاهیم، گستره هایی هستند که بر روی هم، لایه های تأثیر گذاری اسلام بر طب را مشخص می کنند. استخراج منظومه ی معرفتی فوق از دین و چگونگی شکل گیری نظریه های آزمون پذیر مبتنی بر آن، مولد طب اسلامی است [۴]. نگرش فوق مبدأ پدید آمدن طب جامع نگر بوده و مبانی آن برگرفته از جهان بینی اسلامی و کلیاتی را در روش تحقیق و تولید علم دینی و طب اسلامی پیشنهاد می کند.

ارتباط طب و اسلام را می توان با مبانی دیگری نیز مورد بررسی قرار داد. اما برای جلوگیری از طولانی شدن بحث به اختصار دیدگاه هایی را که در مورد سایر علوم نیز کم و بیش مطرح است مطرح می نمایم:



۱. دیدگاهی که ارتباطی بین اسلام و طب قائل نیست و دین را فقط متکفل هدایت بشر در امور فردی، عبادی و معنوی می داند و سعادت اخروی را هدف دین دانسته و ارتباطی بین طب، فن آوری، سیاست، اقتصاد و آخرت قائل نیست.
۲. دیدگاهی که ارتباط طب و اسلام را در حد توصیه ها و بیان ارزش علم و طبیب بر اساس کتاب و سنت قائل است.
۳. دیدگاهی که طب گیاهی را مترادف طب اسلامی گرفته و معتقد است اسلام برای سلامت انسان توصیه هایی دارد که عمل به آن موجب تأمین سلامت می گردد.
۴. دیدگاهی که ارتباط طب و اسلام را بیشتر از توصیه و بیان ارزش علم و طبیب دانسته و قائل به وجود احکام پزشکی و اخلاق پزشکی در اسلام است. در واقع این دیدگاه همان نظریه ی طبیب مسلمان است که در فوق به آن اشاره شد.
۵. دیدگاه پنجم ارتباط کامل اسلام و طب بر اساس دین حداکثری و تولید علم بر اساس اصول مفروض متخذ از دین می باشد. این دیدگاه معتقد است تئوری های علمی در تأثیرپذیری از نظام انگیزشی و ارزشی شکل می یابند و گستره ی دین شامل تمامی امور و روابط زندگی انسان هاست و ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر در ربط به سعادت اخروی یک مبنای واحد پیدا می کند و نظام ارزشی، بینشی و دانشی حول محور واحد شکل می پذیرد و علوم- و از جمله طب- و حوزه های آن بر اساس محوریت واحد با همدیگر ارتباط پیدا می کنند و هیچکدام از حوزه های دین، فلسفه و علم مستقل از یکدیگر

وجود ندارند و حوزه‌ی دین مقدم بر دیگر حوزه‌ها قرار دارد و آنها را سامان می‌بخشد. در این دیدگاه معیار صحت علوم و جهت حاکم بر علوم به طور مبسوط مورد بررسی قرار می‌گیرد. [۶] این دیدگاه نیز طرفدارانی دارد و استدلال این گروه آیاتی نظیر «لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین» و «نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» [۸] می‌باشد. روایاتی نیز در استدلال این دیدگاه وجود دارد. یعنی روایاتی که دلالت می‌کند همه‌ی علوم در قرآن کریم وجود دارد. مانند روایتی که از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمودند:

**ان الله تبارک و تعالی لم یدع شیئاً تحتاح الیه الامه الا نزله فی کتابه و بینه لرسوله**

خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند، فرو گذار نکرده است مگر آن که آنها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر (ص) بیان کرد. [۹]

البته مباحث فوق نیازمند نقد و بررسی مفصلی است که از عهده‌ی این مقاله خارج است. برای تبیین بیشتر واژه‌ی طب اسلامی و امکان تولید و تأسیس آن ابتدا لازم بود واژه‌ی علم و علم اسلامی تعریف می‌شد تا مراد ما از طب اسلامی نیز معلوم می‌گردید. تعاریف مختلف در کتاب رابطه منطقی دین و علوم کاربردی اثر علیرضا پیروزمند مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است و ما در اینجا تعریفی را که مورد استفاده‌ی دیدگاه پنجم قرار می‌گیرد، برای مفاهمی بیشتر می‌آوریم. این دیدگاه علم را مجموعه تعاریف و معادلات کاربردی در جهت رفع نیازهای فردی و اجتماعی می‌داند و روش تولید علم را دارای مراحل می‌داند. اول اخذ اصول موضوعه‌ها (مبانی) از دین، دوم این اصول موضوعه‌ها که تحت تأثیر مبانی نظری و فلسفی ما هستند منشأ پیش فرض‌های

علمی می شوند و پیش فرض ها هم زمینه ساز تئوری های علمی شده و دانشمند و محقق براساس پیش فرض ها به تجربه و آزمون می پردازد و تعاریف، معادلات و تئوری های علمی خود را سامان می بخشد و به دنیای علم عرضه می کند. [۱۰]

### ضرورت طب اسلامی

۱. وجود نارسایی های علم پزشکی موجود: لزوم بررسی علت این نارسایی ها را که همان مبانی حاکم بر علم طب و پزشکی رایج می باشد را به اثبات می رساند. این نارسایی ها هم در سطح محصولات و آثار علم پزشکی روز و هم در سطح مبانی آن قابل اثبات و مشاهده است. پیش فرض های حاکم بر علم طب از جهان بینی مادی محض اخذ شده و دیدگاه پوزیتیویسم بر آن حاکم است، هر چند که طبیبان متدین این مبانی را قبول نداشته باشند، اما این حاکمیت وجود دارد.

۲. ضرورت دیگر طرح طب اسلامی، لزوم تکامل دانش پزشکی است. ضرورت تکامل ایجاب می کند تا تئوری های جدیدی ارائه گردد. پیدایش هر محور جدید در تحقیقات مخصوصاً ورود مسأله ی اسلامیت در علم طب - به دلیل وحیانی بودن اصول موضوعه های دینی - مفهوم و نتیجه اش تکامل علم طب خواهد بود.

۳. همچنین با توجه به جایگاهی که انسان در اسلام دارد، سلامت انسان در ابعاد مختلف جسمانی، عقلانی و روحانی به دلیل محوریت او در نظام آفرینش موجودات، از اهمیت بسیاری برخوردار است و اسلام نسبت به آن بی تفاوت نبوده و سکوت نکرده است، و به همین دلیل است که برای حفظ و ارتقاء

- سلامت انسان‌ها، دستورات و توصیه‌های مختلفی در مورد مصرف و عدم مصرف غذاها و نوشیدنی‌های گوناگون، شیوه‌ی زندگی و ... داده است.
۴. دین اسلام به دنبال ایجاد توازن بین رشد، توسعه و تکامل انسان است و این مسأله باید در علم طب جامعه‌نگر لحاظ شود و این نیز مفهوم دیگری از طب اسلامی است.
۵. ضرورت دیگر طرح طب اسلامی به عنوان یک عامل از عوامل متعدد اجتماعی و انسانی، ایجاد هماهنگی و توازن بیشتر در تمام شئون حیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی است و تفکیک فلسفه‌ی اعتقادات نظری از فلسفه‌ی عملی و عینی در واقع نتیجه‌ای جز بریدن اعتقادات از صحنه‌ی اداره‌ی نظام و حاکم کردن مطلق‌گرایی حسی بر جریان کارشناسی اداره‌ی نظام نمی‌باشد. بنابراین برای هماهنگی عناصر و اجزاء مجموعه‌ی جامعه جهت رسیدن به تکامل سازگار و پویا، باید طب اسلامی نیز هماهنگ با کل مجموعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) شکل بگیرد که طراحی و تنظیم آن نیاز به کارشناسی ویژه‌ای دارد.
۶. از آنجایی که پیش‌فرض‌های دینی در جهت‌گیری‌های کاربردی علم اثرات جدی دارد و حتی بر روش تحقیق نیز می‌تواند اثر بگذارد، بنابراین به دلیل تبعیت عقل از وحی در این روش، جریان‌دادن نظام ارزشی و باید و نبایدهای فقهی در معادلات و حکومت معادلات و قوانین فوق‌بر تنظیمات و معادلات کاربردی طب که همه ناشی از استفاده از پیش‌فرض‌های دینی در طب اسلامی می‌باشد، می‌تواند منشأ اثرات مهمی در طب بوده و انقلابی علمی در آینده‌ای نزدیک ایجاد نماید.

۷. ضرورت هماهنگی طب با تکامل معنوی: اسلام به دنبال متعادل ساختن انسان در عرصه‌ی حیات فردی و اجتماعی است و برای زندگی، هدف و غایتی قائل است که همه علوم باید در خدمت این هدف قرار گیرند. در این صورت تحصیل این علوم در واقع قرار گرفتن در جهت قرب الهی است و چنین علومی می‌توانند بهجت و انبساط را به جامعه هدیه کنند.

۸. محوریت و حاکمیت ارزش بر دانش: به دلیل اینکه گستره‌ی دین، تمامی امور و روابط زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود و دانش و بینش نیز در پرتو تبعیت از کلام نورانی وحی و دین شکل گرفته و به کمال می‌رسد، لذا دلیل نیازمندی به دین خود دلیل پذیرش گستره‌ی نفوذ و سرپرستی دین بر تمامی حالات روحی، فکری و جسمی فرد و نیز ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ی اسلامی است. در این رابطه، طب اسلامی باید از ابعاد جسمانی صرف خارج و به تمام مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار اجتماعی، فرهنگی، روحی و فکری بر سلامت توجه کند. این امر میسر نخواهد بود مگر اینکه شناخت انسان، جامعه و نظام هستی از طریق دین کاملی مانند اسلام صورت گرفته باشد.

۹. ضرورت پاسخگویی به نیازهای جامعه‌ی اسلامی: یکی از نیازهای مبهم نظام اسلامی، تولید علومی است که با ارزش‌های الهی برای تنظیم باورها، اندیشه‌ها و عمل در زمینه‌های مختلف شکل گرفته باشد. توسعه و پیچیدگی نیازها از یک طرف و تفاوت نیازهای جوامع اسلامی و غیراسلامی از طرف دیگر، ضرورت تولید علومی را که بتواند نقش فوق را ایفا کند و نیازها را پاسخ گوید احساس می‌گردد. هرچند که جوامع اسلامی و غیراسلامی در

تعامل و ارتباط با یکدیگر هستند، ولی وقتی تنظیمات یک جامعه به طریق خاصی شکل گرفت، می‌تواند در الگوی بیماری و سلامت اثر بگذارد و این آمادگی و مطالعه باید از هم اکنون ایجاد شود.

۱۰. ضرورت اجرای احکام الهی: با ایمان به اینکه اسلام ناب محمدی (ص) دین خاتم بوده و قدرت هدایت جامعه را در تمام مراحل داراست، بر این اعتقادیم که در هر سطحی که به سعادت و تکامل انسان‌ها مربوط باشد، شارع مقدس احکام هدایت را نازل فرموده است و محدود کردن احکام نورانی اسلام به یک رکن از ارکان هدایت فرد یا جامعه و رها دانستن انسان در بقیه‌ی ابعاد خلاف این اصل مسلم است. احکامی که در زمینه‌های مختلف زندگی انسان‌ها از جمله در ارتباط با سلامت و درمان و طبابت برای سعادت جامعه وارد شده است، همه لازم‌الاجرا هستند و عدم اعتقاد به اجرای آنها در این زمان، انکار رسالت و نبوت و عبث بودن احکام را می‌رساند که مغایر با اعتقادات ما در خصوص عدم صدور فعل بیهوده از طرف خداوند است.

۱۱. ضرورت شناخت ناشناخته‌های مطروحه در دین: دستورات و احکام بسیاری وجود دارد که از طرف شارع مقدس بیان شده ولی به دلیل فراهم نکردن بستر لازم و یا ناقص بودن دانش و فهم بشری و کوتاهی کارشناسان مسلمان مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است.

۱۲. قاعده‌ی نفی سبیل: اسلام هرگز نمی‌پذیرد مسلمین تحت سلطه و سیطره و سرپرستی غیر مسلمین زندگی کنند و خداوند در این رابطه فرموده است: خدا هرگز سرپرستی کافرین را بر مسلمین نمی‌پذیرد [۱۱].

این قاعده حق هرگونه تسلط و استیلایی را اعم از سیاسی، نظامی، علمی و ... را بر مسلمین توسط کفار نفی می کند، زیرا با آزادی و استقلال مسلمین مغایرت دارد. بنابراین، برای خروج از سیطره‌ی علمی و فن آوری غرب و خروج از وضعیت دنباله روی علمی از آنان، باید متوسل به رهنمودهای دینی و تأسیس علم بر اساس این رهنمودها شد. [۱۲]

برای جبران عقب ماندگی های علمی و مبارزه تا خروج دشمن از همه ی عرصه های زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی مسلمین و در راستای رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت جنبش نرم افزاری و ایجاد تمدن اسلامی، ضرورت های ملی و جهان اسلام ایجاب می کند باب طب اسلامی که یکی از ابعاد علوم اسلامی است، توسعه یافته و به خوبی مدیریت شود و با طرح مبانی جدید در علم طب، رویکردی جدید در جهت رشد و تکامل علم و در خدمت انسان ها ایجاد شود. اما این آرزو و هدف دارای موانعی است که بدون شناخت آنها قادر به ارائه ی راه کار و برنامه ریزی متقن نخواهیم بود.

### موانع و کاستی ها

آسیب شناسی و شناخت موانع و کاستی های موجود در زمینه ی طب اسلامی، کمک مؤثری در ارائه ی راه کارهای عملی و گشودن افق جدید در توسعه ی این علم می باشد. در ذیل به اختصار به ذکر موانع و کاستی های موجود اشاره می شود:

۱. نداشتن آگاهی و تعریف مشخص از طب اسلامی توسط پزشکان و محققان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به دلایل متعدد، از جمله نداشتن مطالعات دینی به قدر لازم.
۲. نداشتن درک و فهم مشترک از طب اسلامی در میان حوزویان و اساتید دانشگاه‌ها، به عنوان مثال خلط طب سنتی با طب اسلامی و تعریف طب اسلامی به طب گیاهی و حجامت و ... .
۳. وجود دو تفکر و دیدگاه نامتعادل در ارتباط با طب اسلامی؛ یکی با دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌ها، کارآمدی‌ها را زیر سؤال می‌برد و دیگری با دفاع از کارآمدی‌های علوم تجربی و علم پزشکی موجود، آرمان‌ها و ارزش‌ها را زیر سؤال می‌برد. اما کمتر محققانی به بنانهادن کارآمدی بر بنیان‌های آرمانی و ارزشی وقوف و تأکید دارد.
۴. عدم توجه به توسعه‌ی استنباط احکام و اصول موضوعه‌های دینی در ارتباط با طب در حوزه‌های دینی.
۵. کمبود و بهتر بگوئیم نبود منابع علمی معتبر و متقن در زمینه‌ی طب اسلامی مانند مجله، روزنامه، کتاب، سایت و ... .
۶. نگارش کتب طب اسلامی با ادبیات خاص غیر پزشکی که برای غالب پزشکان امروزی قابل فهم و درک نیست. لذا پزشکان به خواندن چنین کتابهایی تمایل ندارند.
۷. حمایت ضعیف علمای حوزه از طب اسلامی.
۸. عدم استقبال مسئولین در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از طب اسلامی به دلایل مختلف، از جمله عدم شناخت و اعتقاد به طب اسلامی.



۹. نبودن پایه‌های فکری و فضای فکری در اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی به دلیل نبودن همایش‌های مربوط و کارگاه‌های آموزشی مرتبط.
۱۰. عدم شکل‌گیری تفکرات دانشجویان و اساتید در دوران قبل از دانشگاه در ارتباط با مبانی علوم اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها از جمله طب اسلامی.
۱۱. نبودن تشکیلات و انجمن‌های قوی در زمینه طب اسلامی در سطح کشور.
۱۲. نبودن مراکز درمانی با شیوه‌ی طب اسلامی و در نتیجه نبود تجربه و شناخت از شیوه‌های درمانی طب اسلامی به دلیل نبود مجوز کار و نداشتن قانون مربوط به آن.
۱۳. نبود تحقیقات آکادمیک در طب اسلامی و در نتیجه ناتوانی در دفاع از شیوه‌های درمانی مربوط در مقابل روش‌های پزشکی موجود.
۱۴. نبود تعامل بین افراد و محافل علمی علاقه‌مند و معتقد به طب اسلامی به دلیل نداشتن متولی و مدیریت مربوط.
۱۵. وسواس و ترس از طرح مطالبی به نام دین که موجب سکون و وارد نشدن به عرصه‌ی طب اسلامی و تعطیلی پژوهش در این زمینه شده است.

#### راه‌کارها و پیشنهادات

- برای رسیدن به اهداف مورد نظر و رفع موانع و کاستی‌های مذکور، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:
۱. ایجاد درک و فهم مشترک از طب اسلامی با برگزاری همایش‌های مشابه کارگاه‌های آموزشی و چاپ کتب و مجلات در زمینه‌ی طب اسلامی.

۲. انجام پژوهش‌های وسیع بر اساس اصول موضوعه‌های متخذ از دین و معادله مند نمودن یافته‌های جدید حاصل از این پژوهش‌ها که مجموع آن شاکله‌ی طب اسلامی را خواهد ساخت.
۳. شناسایی راه‌های ورود به بحث طب اسلامی در مراکز دانشگاهی و سازماندهی افراد علاقه مند.
۴. تدوین سرفصل دروس طب اسلامی و تصویب آن برای تربیت پزشک متخصص طب اسلامی.
۵. چاپ کتاب‌های طب اسلامی با ادبیات روز توسط پزشکان متخصص که در زمینه‌ی طب اسلامی هم صاحب نظرند.
۶. ابداع روش‌های تحقیق و استمرار تحقیق و تولید علم ( مفاهیم و معادلات) بر مبنای دین و نداشتن هراس از به چالش کشیدن موضوع.
۷. فرهنگ سازی و اعتقاد به کار و پشتکار بیشتر در این زمینه با استفاده از رسانه‌های جمعی برای اصلاح نگرش‌ها و توسعه‌ی دانش مربوط.
۸. ساده سازی کار پژوهش و تولید علم و فرهنگ سازی مربوط در عین پیچیدگی و سختی آن.
۹. یافتن علاقه‌مندان به موضوع و مخاطبان اصلی ( نخبگان) با اطلاع رسانی وسیع.
۱۰. توسعه‌ی اطلاع رسانی و جمع آوری اطلاعات و پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی طب اسلامی.
۱۱. به کارگیری امکانات اقتصادی، فرهنگی و انگیزشی موجود در سطح جامعه‌ی علمی.

۱۲. استفاده از همه‌ی اندیشه‌های همسو در سطح کشور بدون توجه به سلايق غير همسو با مدیریت قوی و کارآمد برای استفاده از توان بالقوه‌ی موجود و شکوفایی استعدادها در سطح جامعه به مصداق کلام نورانی پیامبر گرامی (ص): «النَّاسُ مُعَادِنٌ كَمُعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ».
۱۳. تکیه به کارشناسی دینی طب نه فقط کارشناس متدین، یعنی اصل شدن روش دینی در کارشناسی (که این روش باید تأسیس شود).
۱۴. تعیین مبانی تولید علم پزشکی بر مبنای دین و ایجاد تفاهم پیرامون مبانی معرفت‌شناختی طب اسلامی.
۱۵. جلب حمایت مسئولان در وزات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۱۶. ایجاد مدیریت شبکه‌ی تحقیقات و شبکه‌ی اطلاع‌رسانی قوی برای ایجاد تعامل بین پژوهشگران و نهادهای داخلی و خارجی و جمع‌آوری یافته‌های متفرقه‌ی پژوهشی در سطح کشور و ملل مسلمان.
۱۷. راه‌اندازی مراکز درمانی طب اسلامی با حمایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۱۸. ایجاد فراغت کافی برای محققان علاقه‌مند و متخصص جهت انجام پژوهش‌های مربوط به طب اسلامی.
۱۹. تعیین محورهای اساسی تحقیق در زمینه‌ی طب اسلامی و انجام تحقیق بر اساس روش‌های تدوین شده.
۲۰. تعیین امتیاز ویژه در ارتقاء اساتیدی که در زمینه‌ی طب اسلامی دارای طرح تحقیقاتی مصوب و مقاله‌ی چاپ شده و یا ارائه شده در مجامع علمی هستند.

## منابع

- ۱- آیت ا... جوادی آملی، «انتظار بشر از دین»، مرکز نشر اسراء، چاپ اول ۱۳۸۰.
- ۲- فخرالدین حجازی، «نقش پیامبران در تمدن انسان»، انتشارات بعثت، چاپ دوم، سال ۱۳۵۲.
- ۳- قرآن مجید، سوره ی بقره، آیه ی ۱۵۱.
- ۴- «طب اسلامی در فرهنگ نبوی»، مؤسسه ی فرهنگی فجر ولایت، ۱۳۸۵.
- ۵- آیت ا... مصطفی نورانی، «دور نمایی از طب اسلامی، گیاهان دارویی»، انتشارات فخر دین، ۱۳۸۴.
- ۶- سید جعفر مرعشی، عبدالعلی رضایی، علی اکبر دانشمند، مریم چهارباش، «نظام فکری درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی»، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، چاپ ۱۳۷۷.
- ۷- قرآن مجید، سوره ی انعام، آیه ی ۵۹.
- ۸- قرآن مجید، سوره ی نحل، آیه ی ۸۹.
- ۹- محمد علی رضائی اصفهانی، «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، جلد اول (به نقل از نورالثقلین ج ۲ ص ۷۴)، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.
- ۱۰- علیرضا پیروزمند، «رابطه منطقی دین و علوم کاربردی»، انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۶.
- ۱۱- قرآن مجید، سوره ی نساء، آیه ی ۱۴۱.
- ۱۲- داود فرج زاده، «ضرورت بررسی مبانی روش های تحقیق موجود در علوم تغذیه و طرح مبانی جدید...» پایان نامه ی دکترا، ۱۳۸۰.

Surf and download all data from SID.ir: [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

Translate via STRS.ir: [www.STRS.ir](http://www.STRS.ir)

Follow our scientific posts via our Blog: [www.sid.ir/blog](http://www.sid.ir/blog)

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: [www.sid.ir/workshop](http://www.sid.ir/workshop)